

تأملی در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا (یک مطالعه پدیدارشناسانه)

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

مژده علیزاده^۱

چکیده

هدف: هدف از انجام پژوهش حاضر، «تأملی در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا» بود. **روش:** این پژوهش در چارچوب روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسانه بود. جامعه آماری، کل دانشجویان دانشگاه شهید باهنر بود که ۱۷ دانشجو با روش نمونه‌گیری داوطلب-هدفمند و اصل اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، کلازلی بود. **یافته‌ها:** این پژوهش در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا، به چهار مضمون اصلی در ابعاد اعتقادی، شناختی، ارتباطی و معنابخشی با هشت زیرمضمون و ۱۶۱ کد دست یافت. در این ابعاد می‌توان دانشجویان را در دو محور قرار داد؛ در بعد اعتقادی، هر دو گروه به خدا و هستی‌بخشی او اعتقاد دارند. در بعد شناختی، گروه اول شناخت کمی نسبت به خدا و مهم‌ترین دستورات خدا و عمل خدا در رابطه با انسان دارند. این گروه در ارتباط معنوی خود با خدا، به خصوص در انجام واجبات و دستورات الهی دچار تزلزل‌اند. دسته دوم، آگاهی و دانش و شناخت کافی نسبت به خدا دارند؛ ارتباط معنوی خوبی با خدا دارند؛ هر چند مشکلات و فشارهای زندگی ممکن است گاهی رابطه برخی از آنها را با خدا خدشه‌دار کند، اما معمولاً با دلایل خود مبنی بر مصلحت و تدابیر خیراندیشانه خدا به حالت اولیه خود بازمی‌گردند. همچنین هر دو گروه در ارتباط عاطفی یا الگوی تعاملی دوستانه خود با خدا استوارند. هر دو گروه زندگی را در پرتو وجود خدا معنا دار می‌دانند. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاکی از آن بود که هر چند حداکثر دانشجویان شناخت خوبی نسبت به خدا و عمل خدا در رابطه با انسان و همچنین ارتباط معنوی خوبی هم با خدا داشتند، اما در باب دانشجویانی که دچار ضعف در مبانی شناختی نسبت به خدا و ارتباط معنوی با خدا می‌باشند، نگرانی فزاینده‌ای وجود دارد و به طور حتم این گروه به توجه ویژه و یاری بیشتری در این عرصه نیازمندند.

واژگان کلیدی: خدا، دانشجویان، تعامل، پدیدارشناسی.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر، کرمان. ایران (نویسنده مسئول).
نشانی: کرمان؛ میدان پژوهش، دانشگاه شهید باهنر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

malizadeh1229@gmail.com

الف) مقدمه

در طول تاریخ و تمامی اعصار، یکی از مسائل اصلی و محوری بشر، پرداختن به وجود یک حقیقت نهایی به عنوان منبع هستی‌بخش و معنابخش و فهم و تفسیر این غایت و بنیاد بوده است (عبدالکریمی، ۱۳۸۹). در واقع؛ اولین مرتبه دین، شناختن خداوند است و هر فردی که خدا را نشناخته، هنوز قدم در دین نگذاشته است. لذا اولین قدم، حرکت به سمت خداوند است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۲۵). شناخت خدا به معنای پرورش اندیشه و بُعد معنوی آن در روح و قلب برای ایجاد ارتباط با خدا و بندگی اوست. شناخت خدا و چگونگی ارتباط با او، هسته اصلی همه ادیان الهی است و یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های اعتقادی افراد به شمار می‌آید. ارتباط با خدا یکی از مهم‌ترین ارتباطات انسان است و بررسی آن می‌تواند کیفیت دیگر ارتباطات مهم زندگی روانی انسان را به ما بشناساند (سیدمحمدی؛ نقل از: برابادی، ۱۳۹۴: ۷۵). از نظر هافمن، درک و ارتباط با خدا آنقدر مهم است که یکی از پیچیده‌ترین ماتریس‌های رابطه‌ای شناخته شده برای وجود بشر است. همچنین این درک و شناخت و برداشت افراد از خدا، علاوه بر داشتن تأثیراتی بر خود فرد، بر ارتباط او با افراد دیگر هم مؤثر است (هافمن، ۲۰۰۵: ۱۲۹). از طرف دیگر، زمانی که صحبت از شناخت افراد باشد و بخواهیم به بررسی خصایص روانی آنها پردازیم، آنگاه ادراک انسان از خدا و تصویری که به آن دست یافته، از اهمیت بسیاری برخوردار است. (لاورنس، ۱۹۹۷؛ نقل از: برابادی، ۱۳۹۴: ۷۶)

پارگامنت ضمن پذیرفتن قاطعانه مذهب به عنوان مهم‌ترین عامل رسیدن به سلامت روانی می‌گوید: آنچه باید مهم تلقی شود و بر آن تمرکز ویژه شود، نوع برداشت و تعریفی است که انسان از خدا و مذهب دارد. زمانی که خیلی به افراد نزدیک می‌شویم، درمی‌یابیم که برداشتهای مشخص و چندگانه‌ای از مذهب در ذهن و درون خود دارند که برخی یاریگر و مفید و برخی مایوس‌کننده و مضر است (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱: ۸۵). در هر جامعه‌ای، جوانان و دانشجویان از قشرهای اصلی و تأثیرگذار بر جامعه‌اند. یکی از اهداف اصلی جامعه اسلامی، پرورش جوانان مؤمن، متعهد و شایسته برای اداره امور جامعه در راستای وصول آنان و جامعه به سعادت و کمال نهایی است. تأثیر و اهمیت این مهم، در راستای شناخت و برقراری یک رابطه مثبت و مطلوب با خدا میسر می‌شود. بررسی نظام فکری دانشجویان در باب خدا در جوامع امروز که به خصوص با پدیده جهانی شدن، ارتباطات جهانی، فناوری، ظهور عرفانهای نوظهور و به تبع آن رواج اندیشه‌ها و ارزشها و گرایشهای گوناگون روبه‌رویند و همگی تهدیدهایی بر اندیشه‌های دینی و رفتاری جوانان و دانشجویان‌اند، امری ضروری

است که پژوهش حاضر در صدد بررسی این مهم می‌باشد. همچنین با بررسی پیشینه پژوهش محرز شد که تاکنون تحقیقی با این عنوان و به این شیوه انجام نشده است یا محققان به آن دسترسی نداشتند.

مبانی نظری و تجربی پیشینه پژوهش

مسئله مذهب و دینداری همواره یکی از موضوعات اساسی و مورد توجه در همه ادیان و مذاهب و دانشمندان، متفکران اجتماعی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بوده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد در رفتار دینی، شناخت خداست. تمامی ادیان از جمله یهودیت، مسیحیت و اسلام، به خدای جهان‌آفرین معتقدند؛ اما ذات و خصوصیات خدا در هر یک از آنها متفاوت است. از منظر اسلام، خداوند یکتا، خالق و رب و هدایت‌کننده جهان است (ص: ۶۶) و اصل توحید نمود بارزی دارد. در اسلام، شناخت و گرایش به خدا، به صورت فطری در انسان قرار داده شده و انسان بر حسب فطرت خداجو آفریده شده است و گرایش باطنی به خدا دارد. از آموزه‌های ذاتی انسان که تعبیر به فطرت می‌شود، در ابعاد معرفتی، گرایشی و توانشی، به ترتیب در فرد احساس خدایابی، خداگرایی و قرب الی‌الله وجود دارد که در وجودش به ودیعه گذاشته شده است (اکبری، ۱۳۸۹). خداوند می‌فرماید: «ای پیامبر! یادآوری کن که تذکار داده شده‌ای» (غاشیه: ۲۱). اسلام راه‌های متعددی را برای شناخت و ارتباط فرد با خدا در نظر می‌گیرد؛ هر چند از منظر اسلام، تفکر در ذات الهی جایز نیست «و عقلها با تلاش وصف‌ناپذیر از راه‌های بسیار ضعیف و باریک بخواهند ذات او را درک کنند، دست قدرت بر سینه همه نواخته، باز گرداند... که با فکر و عقل نارسای بشری نمی‌توان او را درک کرد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱)؛ زیرا آگاهی از کُنه چیزی، یعنی احاطه بر آن چیز؛ پس چگونه موجودی که خود اسیر محدودیت است، می‌تواند به ذات نامحدودی احاطه پیدا کند؟ از طرف دیگر، شناخت کُنه صفات الهی هم همانند عین ذات اوست که باز برای انسان امکان‌پذیر نیست. علم انسان از صفات خدا، علمی اجمالی و بیشتر حول محور آثارش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۷۰). خدا را باید از طریق صفاتش شناخت «و قلبهای سراسر عشق مشتاقان برای درک کیفیت صفات او کوشش می‌کنند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۱). در شناخت صفات خدا باید دانست که هیچ چیز همانند او نیست و او هم شبیه به چیزی نیست؛ لذا پایه اصلی در شناخت صفات خداوند در آیه «لیس کمثله شیء» (شوری: ۱۱) می‌باشد که بدون شناخت آن نمی‌توان به هیچ کدام از صفات الهی پی برد؛ زیرا از خطرناک‌ترین پرتگاهها که بر سر راه جویندگان طریق معرفت خدا وجود دارد، پرتگاه تشبیه است؛ اینکه خدا را

۶۵۰ ♦ تأملی در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا...

شبهه مخلوقاتش توصیف کنند که منجر به سقوط در دره شرک می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۶۷)

از منظر تعالیم دینی، شناخت خدا معمولاً از دو طریق شکل می‌گیرد؛ نخست، آیات انفسی که مشاهده در درون خود انسان است و دوم، آیات آفاقی که به معنای مشاهده در جهان آفرینش، اعم از طبیعت، زمین، کیهانشان، کوه، دشت و موارد دیگر است (همان، ج ۱۸: ۳۲۷). قرآن کریم این مهم را مورد توجه قرار داده است و می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (فصلت: ۵۳). این روش، عبارت از نگریستن و اندیشه کردن در آفرینش زمین، آسمانها، مرگ، حیات، نعمتهای آشکار و دیگر پدیده‌هایی است که در قرآن کریم، روایات و سنت پیامبر (ص) و منابع دینی اصیل آمده است. همچنین شناختی که از طریق قلب حاصل شود، از دلایل و براهین نشئت می‌گیرد (مغینه و دانش، ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۷۲). جعفری معتقد است: به دلیل آنکه انسانها در فهم، درک و ظرفیت وجودی با هم تفاوت دارند و طریقی که یک پیامبر الهی برمی‌گزیند با طریق یک فرد عادی متفاوت است و هر فردی مطابق با گنجایش درک و فهم خود به شناخت خدا دست می‌یابد؛ گفته‌اند: «الطريق الى الله بعد النفوس...»؛ راههای معرفت خدا به تعداد کل افراد است و هر کس راه مخصوص به خود را دارد (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۰۱). افزایش معرفت سبب افزایش ارتباط معنوی نیز با خداوند می‌شود. در این زمینه جعفری می‌گوید: ارتباط انسان با خدا به دو صورت می‌تواند متصور شود؛ اول، ارتباطی که از سوی انسان برقرار می‌شود و مبدء آن، خود فرد است که این نوع ارتباط برای همه امکان‌پذیر است و هر فردی با انجام عبادتها، نیایش و دعا می‌تواند با خدا ارتباط برقرار کند؛ نماز، روزه و حج سبب تقرّب انسان به خدا می‌شود. نوع دوم نیز ارتباطی است که از سوی پروردگار با انسان برقرار می‌شود و انسان مستقیماً پیامهای الهی را دریافت می‌کند. این امر که وحی است، تنها مخصوص انسانهای خاص است (همان، ج ۱: ۹۰). تسبیح، ذکر، دعا، نماز، حبل‌الله (آل عمران: ۱۰۳)، نیایش (بقره: ۱۸۶)، تفکر در نظام هستی (اعراف: ۱۸۵)، قرآن کریم، فضایل اخلاقی، شب زنده‌داری، اسما و صفات خدا، انابه، واجبات و فرایض الهی چون خمس، زکات و ... از جمله راههای ارتباطی با خداوندند. در همین باب، مظاهری و پسندیده (۱۳۹۰) مقیاسی ۶۷ ماده‌ای بر اساس الگوی سه‌بعدی رابطه انسان با خدا (بیم، امید و محبت) با اعتقاد به منابع اسلامی و فرهنگ جامعه اسلامی ایران را در شش بُعد ساختند. هر یک از مواد این مقیاس، توصیف کوتاهی از چگونگی ارتباط با خداست و شامل شش زیرمقیاس می‌شود. شناخت، نقش بسیار مهم و محوری و تعیین‌کننده در الگوی سه بعدی رابطه با خدا دارد و در واقع؛ در بطن هر سه مؤلفه مستتر است و

زیرساخت اصلی آنها را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر؛ میزان ترس یا نیاز یا محبتی که شخص نسبت به خدا دارد، بی‌تردید وابسته به ماهیت و میزان شناختی است که از خدا دارد. به این ترتیب، عامل شناخت به عنوان عاملی کلی‌تر در نظر گرفته می‌شود که زیرساختهای اصلی ابعاد سه‌گانه مدّ نظر را تبیین می‌کند. لذا می‌توان مدعی شد شناخت در الگوی نظری مورد بحث، عاملی کلی و بسیط است که هر یک از ابعاد سه‌گانه بیم و امید و محبت بر آن استوار شده‌اند. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳)

آرژیل (۲۰۰۰) با بیان اینکه بیشتر رفتارهای معطوف به هدف در انسان، متضمن اندیشه‌ای عقلی بر اهداف می‌باشند؛ سازوکار اصلی و زیربنایی در رفتارها و اعتقادات دینی را سازوکارهای شناختی می‌داند. برام و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله «توسعه و اعتبارسنجی پرسشنامه هلندی تصویر خدا» به این نتیجه رسیدند که بین جنبه‌های عاطفی و شناختی تصویر خدا رابطه وجود دارد. تبارک و استارت معتقدند چهار بعد اصلی عمل، باور، دانش و تجربه، ابعاد عمومی الزام دینی‌اند. این ابعاد در سطح مقیاسهای اولیه، به پنج شاخص تبدیل می‌شوند. در مقیاس ثانویه، شاخصها به هشت عدد افزایش می‌یابند. بعد باور، آن است که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن اعتقاد داشته باشند. در بعد مناسک، اعتقادات فرد در عملش بروز می‌کند و بعد تجربی نیز به احساسات و تجربیات فرد دیندار اشاره دارد که عالی‌ترین بخش دینداری است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳). نتایج تحقیق متولیان و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که بیشترین نمره دینداری دانشجویان، به بعد اعتقادی با میانگین ۲۴/۳۷ درصد تعلق گرفته است. پس از آن، ابعاد عاطفی با ۲۲/۳۱ درصد و مناسکی با ۱۸/۹۹ درصد در میزانی پایین‌تر قرار دارند. نتایج تحقیق سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲) نشان داد دانشجویان در بعد اعتقادی و عاطفی دینداری در حد بالایی به آموزه‌های دینی پایبندی و التزام دارند؛ اما در بعد مناسکی و پیامدی که ناظر به انجام مناسک فردی و اجتماعی است، فقط یک پنجم پاسخگویان در حد بالایی پایبندی قرار دارند. حضرتی صومعه (۱۳۹۵) نیز مشابه همین نتیجه‌گیری را در پژوهش خود نشان داد. نصیرزاده و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای نتیجه گرفتند شناخت به عنوان آغازگر رویکرد مذهبی افراد است. شیوه‌ای که فرد درباره خدا یا درباره رابطه با خدا می‌اندیشد، ادراک او را از دنیا شکل خواهد داد و رفتارهای او را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد که این موضوع بر تجربیات فرد از زندگی و نوع راهبردهای مقابله با مسائل و مشکلات روزمره تأثیر خواهد گذاشت. حسین‌ثابت و رادی (۱۳۹۴) نتیجه گرفتند درک از خدا می‌تواند تعیین‌کننده دیدگاه فرد درباره جنبه‌های مختلف زندگی و دیدگاه او درباره

نقش خدا در اتفاقات زندگی باشد؛ پس می‌تواند بر ارزیابی او از رخدادهای زندگی اش تأثیر بگذارد. پس فرد، این بودن‌ها و بایدها را به خدا نسبت می‌دهد و به همین میزان تصور مثبت یا منفی از خدا را شکل می‌دهد. میکائیلی و پرزور (۱۳۹۸) نتیجه گرفتند افرادی که باورهایشان نسبت به صفات خدا مثبت است و خدا را در دسترس و خیرخواه می‌دانند با موقعیتهای تنیدگی راحت‌تر کنار می‌آیند و مقاومت بیشتری در برابر مشکلات می‌کنند. حدادی کوهسار و غباری بناب (۱۳۸۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که افرادی که به مشیّت الهی در زندگی و تأثیر خدا در رخدادهای زندگی باور دارند، بدبینی کمتری دارند. قاسمی نواب و سهرابی (۱۳۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین ارتباط با خدا و هوش معنوی رابطه مستقیم وجود دارد؛ بدین طریق که با افزایش هوش معنوی، میزان ارتباط با خدا نیز بالا می‌رود.

کیم (۲۰۱۷) در تحقیق خود نتیجه گرفت هر چه دلبستگی افراد به خداوند بیشتر باشد، استرس و افسردگی آنها کاهش می‌یابد و دارای زندگی با کیفیت‌تری می‌شوند. برام و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند روان‌رنجوری با احساس اضطراب بیشتر و نارضایتی از خدا همراه است. همچنین داشتن درک و تصویر مثبت از خدا با انجام اعمال مذهبی همچون نماز خواندن و حضور در کلیسا رابطه مثبت دارد. چریستوفر و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند دلبستگی ایمن به خدا با پریشانی رابطه معکوس دارد؛ در حالی که دلبستگی مضطرب به خدا و وقایع زندگی پراسترس، با پریشانی رابطه مثبت دارند. بونته کوئه و همکاران (۲۰۰۵) دریافتند پریشانی روان‌شناختی سبب داشتن احساس منفی از خدا می‌شود و می‌تواند خدا را به عنوان یک قاضی مجازات‌کننده در نظر بگیرد. همچنین اکسلاین، یالی و لوبل (۱۹۹۹) دریافتند افرادی که حس می‌کنند خدا آنها را به حال خود واگذاشته، نمی‌توانند خدا را برای مشکلاتی که در زندگی‌شان اتفاق افتاده، بیخشند؛ که این ناتوانی در بخشش خدا منجر به اضطراب و افسردگی می‌شود. اما به نظر می‌رسد آنهایی که تصور مثبتی از خدا دارند، به طور مؤثرتری با شرایط کنار می‌آیند و سلامت روانی بیشتری نسبت به کسانی که تصور منفی از خدا دارند خواهند داشت. حدادی کوهسار و غباری بناب (۱۳۹۰) دریافتند روان‌آزردگی با احساس گناه و ترس و نارضایتی از خدا همراه است. افرادی که نمره بالایی در بعد روان‌آزرده‌خویی دارند، هیجان‌خواهی منفی دارند و با احساس اضطراب و بی‌کفایتی و ... ارتباط ناامید کننده‌ای با خدا دارند (مانند هر چه خدا را صدا می‌زنم پاسخی دریافت نمی‌کنم). در نتیجه، فرد از خدا، انگاره‌ای منفی شکل می‌دهد و این ارتباط منفی منجر به ارتباط دور و سختگیرانه

با خدا می‌شود. با مطالعه تحقیقات انجام شده، محرز شد که تاکنون پژوهشی در حیطه بررسی نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا، به خصوص با نگاه پدیدارشناسانه انجام نشده است. لذا پژوهش حاضر به منظور برطرف شدن این خلأ انجام گرفت.

ب) روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب روش کیفی و از نوع پدیدارشناسانه است. پدیدارشناسی به ظهور آنچه در تجربه هر فرد به عنوان اول شخص ظاهر می‌شود و معنای آن در تجربه‌اش هست، می‌پردازد. پدیدارشناسی، تجربه آگاهانه را با توجه به محتوا و معنای آن بررسی می‌کند (اسمیت، ۲۰۰۶). هدف از پدیدارشناسی، بررسی عمیق تجربه افراد و کشف کردن معنای نهفته در آن است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید باهنر در سال ۱۳۹۹ است که ۱۷ دانشجو بر اساس نمونه‌گیری داوطلب- هدفمند انتخاب شدند. برای گزینش نمونه‌ها از اصل اشباع نظری استفاده شد. محقق با مراجعه به دانشگاه و قسمتهای مختلف آن از جمله دانشکده‌ها، حسینیه، کلاسها و حیاط دانشگاه، ابتدا موضوع تحقیق و هدف از انجام آن و محرمانه ماندن اطلاعات را به دانشجویان می‌گفت و سپس اگر او موافقت و رضایت کامل داشت، اطلاعات گردآوری می‌شد.

به دلیل ماهیت پژوهش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. مصاحبه تا زمانی که دیگر از سوی مشارکت‌کنندگان اطلاعات جدیدی عرضه نشد، ادامه یافت. لذا چند سؤال کلی از قبل مطرح شد و در حین مصاحبه نیز به اقتضای پاسخ مشارکت‌کنندگان، سؤالات جزئی‌تری پرسیده می‌شد تا آن پدیده روشن‌تر شود. مدت زمان مصاحبه‌ها از ۴۵ دقیقه تا ۶۰ دقیقه بود. به منظور محرمانه ماندن اطلاعات، به هر یک از مصاحبه‌شوندگان یک کد اختصاص داده شد و اطلاعات از طریق کدها تحلیل شدند. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش کلایزی استفاده شد. مطابق این روش، ابتدا کلیه متون به دقت خوانده شدند تا محقق به یک برداشت کلی از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان رسید. پس از آن، معانی استخراج شده به صورت کدهای اولیه صورت‌بندی شدند. موارد کدگذاری شده بر اساس شباهتهایشان در خوشه یا دسته‌های متعلق به خود قرار گرفتند و به این طریق، زیرمضمونها تشکیل شدند. پس از تفکر بسیار، زیرمضمینها که شامل اصول مشترک بودند، ذیل یک مضمون قرار گرفتند و مضامین تشکیل شدند.

گابا و لینکن (۱۹۹۵) در پژوهشهای کیفی، معیارهایی همچون: اعتبار، اعتماد و تأیید را به ترتیب معادل روایی درونی، پایایی و عینیت در تحقیقات کمی می‌دانند. بر این اساس، در

۶۵۴ ♦ تأملی در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا...

پژوهش حاضر نیز محقق نظرات شخصی خود را در هیچ کدام از مراحل تحقیق از جمله جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل به کار نگرفت و با استناددهی به پژوهشهای دیگر برای تأیید نتایج خود عمل کرد. برای تعیین اعتبار تحقیق نیز محقق پس از مصاحبه با ۱۷ نفر به این نتیجه رسید که داده‌ها به حد اشباع رسیده‌اند. به منظور اعتماد نیز تحلیل و فهم پژوهشگر از اظهارات مشارکت‌کنندگان پس از هر مصاحبه در اختیار برخی از آنها قرار می‌گرفت تا بازخورد آنان مبنی بر فهم درست پژوهشگر از سخنان‌شان تأیید شود. در جدول ۱، مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات شرکت‌کنندگان

شماره	رشته تحصیلی	جنس	سن	مقطع تحصیلی
۱	علوم تربیتی	زن	۲۲	کارشناسی
۲	مهندسی مواد و متالورژی	زن	۲۲	کارشناسی
۳	روان‌شناسی	مرد	۲۴	کارشناسی
۴	علوم و مهندسی کامپیوتر	زن	۲۳	کارشناسی
۵	فلسفه	زن	۲۱	کارشناسی
۶	زبان انگلیسی	زن	۲۲	کارشناسی
۷	روان‌شناسی	مرد	۲۴	کارشناسی
۸	روان‌شناسی	مرد	۱۹	کارشناسی
۹	اقتصاد	زن	۲۱	کارشناسی
۱۰	علوم تربیتی	مرد	۲۴	کارشناسی
۱۱	مدیریت	زن	۲۲	کارشناسی
۱۲	روان‌شناسی	زن	۲۰	کارشناسی
۱۳	علوم تربیتی	مرد	۲۱	کارشناسی
۱۴	فیزیک	زن	۱۹	کارشناسی
۱۵	تربیت بدنی	زن	۲۳	کارشناسی
۱۶	روان‌شناسی	مرد	۲۴	کارشناسی
۱۷	روان‌شناسی	زن	۲۳	کارشناسی

ج) یافته‌های پژوهش

با تحلیل بیانات دانشجویان، چهار مضمون اصلی، هشت زیرمضمون و ۱۶۱ کد اولیه به دست آمد. مضمون اول، بُعد اعتقادی است که یک زیرمضمون اعتقاد به هستی خدا در آن به دست آمد. مضمون دوم، بُعد شناختی است با چهار زیرمضمون، شامل آگاهی و شناخت

اندک در باب خدا و مهم‌ترین دستورات خدا، داشتن انتظارات غیر واقع‌بینانه از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان و ارزیابی منفی، آگاهی و شناخت کافی در باب خدا و راههای شناخت خدا، انتظارات و ارزیابی واقع‌بینانه از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان. مضمون سوم، بُعد ارتباطی است که در آن دو زیرمضمون ارتباط معنوی و ارتباط عاطفی به دست آمد. مضمون چهارم نیز معنابخشی با یک زیرمضمون معنای زندگی در پرتو وجود خداوند است. در جدول ۲، کدهای اولیه مرتبط با هر یک از مضامین و زیرمضمونها ثبت شده است.

جدول ۲: جدول استخراج مضمونهای اصلی و زیرمضمونهای مرتبط با خدا در تجربه زیسته دانشجویان

مضمون اصلی	زیرمضمون	نمونه کدها
بعد اعتقادی	اعتقاد به هستی خدا	آفریننده بودن خدا، بودن خدا، انکار ناپذیری وجود خدا، جاودانه بودن خدا
بعد شناختی	آگاهی و شناخت اندک در باب شناخت خدا و مهم‌ترین دستورات خدا	قدم برداشتن برای شناخت خدا، عدم روحیه تحقیق‌پذیری در باب شناخت خدا، شناخت خدا طبق تصورات در ذهن جای گرفته از دوران کودکی، بینش ناکافی در باب نماز و دستورات خدا، پذیرش خدا به همراه کنار گذاشتن دین و ایمان.
	داشتن انتظارات غیر واقع‌بینانه از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان و ارزیابی منفی	کم‌رنگ شدن حضور خدا به علت نرسیدن به خواسته‌ها، سست شدن عقاید دینی به علت فشارهای روحی، عدم جدی گرفتن حضور خدا به علت نرسیدن به خواسته‌ها، سرد شدن نسبت به خدا به علت بی‌تفاوتی خدا، تنها گذاشتن فرد توسط خدا، کمک نکردن خدا به فرد در سختی‌ها، مرگ عزیز سبب ترک دین و وظایف دینی.
	آگاهی و شناخت کافی در باب خدا و راههای شناخت خدا	امکان‌پذیر بودن شناخت خدا، خودشناسی، مشاهده جهان اطراف، تفکر در وجود خود، شناخت خدا از طریق پیامبران، عارفان، روایات و احادیث، تفکر در تمامی اجزای جهان، مشاهده دقیق پدیده‌ها، خواندن سخنان بزرگان، خواندن قرآن با ترجمه و تفسیر و تفکر، از طریق قلب، نعمتهای خدا، وجود نظم در جهان آفرینش، دیدن خدا در مادر شدن، دیدن خدا در مادر بودن، دیدن خدا در سختی‌ها، سکوت، تفکر در تنهایی، درون‌نگری، خودسازی، گرایش فطری انسان به خدا، عالمان اخلاق، تأمل در استعدادهای خود، تحقیق در باب

<p>شناخت خدا، خواندن کتب گوناگون، پرسیدن در باب شناخت خدا، سیره ائمه(ع).</p>		
<p>صلاح و مصلحت بندگان را خواستن، توکل به خدا، یاریگر در سختی‌ها، یاد خدا در سختی‌ها و خوشی‌ها، تشکر از خدا در دو حال رسیدن و نرسیدن به خواسته‌ها، تغییر حال نکردن هنگام مشکلات، سعی در حل مشکلات، سرزنش خود هنگام مشکلات، مقصر دانستن خود در هنگام نرسیدن به خواسته‌ها، شکایت نکردن به درگاه الهی، حفظ رابطه با خدا حتی هنگام سختی‌ها، کوتاهی کردن خود، دلگیر نشدن از خدا هنگام سختی‌ها، حق بودن مرگ، مرگ راه رسیدن به خدا.</p>	<p>انتظارات و ارزیابی واقع‌بینانه از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان</p>	
<p>ارتباط با خدا بدون انجام واجبات و فرایض و دستورات الهی: بودن خدا در دل به جای انجام واجبات، انسان بودن به جای انجام واجبات، تهمت زدن به جای انجام واجبات، دروغ نگفتن به جای انجام واجبات، قضاوت نکردن به جای انجام واجبات، مهم نبودن نماز، بی‌توجهی به قرآن و خواندن آن، مؤثرتر بودن یوگا و تای چی به جای نماز.</p>	<p>ارتباط معنوی (انجام دستورات خدا)</p>	
<p>ارتباط با خدا همراه با انجام واجبات و فرایض و دستورات الهی: حرف زدن با خدا، نماز خواندن، قرآن خواندن، دعا کردن، انجام دستورات خدا برای رسیدن به سعادت، دقت‌پذیری بیشتر، مراقبت بیشتر از خود در برابر گناه، دور شدن از دنیا برای فراموش نکردن آخرت، مقاومت در برابر گناه با درک حضور خدا، مقاومت در برابر شیطان، مقاومت در برابر هوای نفس، استمداد طلبیدن از خدا، عمل کردن به دستورات خدا، داشتن نیت پاک، تطهیر دل از گناه و کینه، خروج از گناه، شناخت وسوسه‌های شیطان و نفس، تفکر کردن، عبادت، نوشتن، درد و دل کردن، سکوت، مسجد رفتن، تفکر در آخرت، دنیا برای آخرت، زندگی طبق سیره ائمه(ع)، انجام عمل خوب در دنیا.</p> <p>احساس آرامش، حس خلأ درونی، احساس خوب، همراه همیشگی، آرامش هنگام بردن نام خدا، احساس قلبی و درونی عمیق با خدا، احساس امنیت، رهایی از ناآرامی و بی‌قراری، آرامش با ذکر گفتن، احساس بزرگی، مراقبت از انسان،</p>	<p>ارتباط عاطفی (الگوی تعاملی دوستانه با خدا)</p>	<p>بعد ارتباطی</p>

<p>احساس قدرت، احساس اطمینان، حال خوب داشتن، ناظری مهربان، شادی، احساس شرمندگی، امید به آینده، نشاط شدید، زیبایی، حس خجالت و شرم، احساس گرم حامی داشتن، حس دوست داشتن، حس دوست داشته شدن، نوازشگری انسان، فراموش نکردن بنده، پذیرش مطلق بندگان، سرزندگی، رغبت به ادامه زندگی، احساس امید، تکیه گاه بودن، عدم منت گذاشتن بر بندگان، آشکار و نهان هوای انسان را داشتن، نداشتن توقعی از بندگان، پذیرش بندگان بد توسط خدا، احساس برتری، شب بخیر گفتن به خدا، لبخند زدن، احساس سبکی، در آغوش خدا بودن، صدای قلبی و زبانی انسان را شنیدن، تازگی، حس احترام، حس احترام به نامهای مقدس خدا، حس بازگشت به سمت خدا، محبت، احساس راحتی با او، دیدن خدا در تنبیه محبت آمیز او، نور امید، حلال مشکلات، شوخی کردن.</p>		
<p>بیرون آمدن زندگی از پوچی و بی معنایی، تباهی زندگی بدون وجود خدا، داشتن چارچوب در زندگی با حضور خدا، هدفدار بودن خلقت انسان، وجود خدا در تمام زندگی، بی مقدار بودن زندگی بدون حضور خدا، تلاش بیشتر، امیدواری، به سعادت رسیدن در زندگی، داشتن نگاه مثبت به زندگی، داشتن نگاه مثبت به سختی ها، گرمابخشی به زندگی انسان، همراهی خدا در تمامی لحظات زندگی، انرژی گرفتن، جلوگیری از طغیان و سرکشی در زندگی.</p>	<p>معنای زندگی در پرتو وجود خدا</p>	<p>بعد معنابخشی</p>

مضمون اول: بعد اعتقادی

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، در مضمون اول که بعد اعتقادی است، همه مشارکت کنندگان به وجود خدای یکتا و آفریننده جهان هستی اذعان داشتند. کد شماره ۲ می گوید: «من فکر می کنم خدایی وجود دارد. اگر وجود نداشت، ما از کجا می آمدیم؟». کد شماره ۳ می گوید: «من ایمان دارم که خدا همه جا هست و ناظر بر اعمال و کردار ماست. او شنوا و بیناست». مشارکت کننده دیگری (کد شماره ۱) می گوید: «خداوند قدرتی است بی انتها و مهربان و عالم. او همچون معلمی است که در طول زندگی ما را تربیت می کند تا خداگونه شویم».

مضمون دوم: بعد شناختی

مطابق جدول ۲، در بعد شناختی چهار زیرمضمون، شامل آگاهی و شناخت اندک در باب شناخت خدا و مهم‌ترین دستورات خدا، داشتن انتظارات غیر واقع‌بینانه از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان و ارزیابی منفی، آگاهی و شناخت کافی در باب خدا و راههای شناخت خدا، انتظارات و ارزیابی واقع‌بینانه از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان به دست آمد. بنابر این، در این مضمون و با توجه به زیرمضمونها و کدهای حاصل شده در عرصه شناخت خدا، دانشجویان به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول که تعداد آنها کمتر بود، دارای شناخت اندکی نسبت به خدا و راههای شناخت خدا و مهم‌ترین دستورات الهی بودند. برخی از آنها معمولاً طبق تصویری که از کودکی در ذهن آنها از خدا ساخته بودند، عمل می‌کردند؛ لذا الزامی چندانی به شناخت خدا و راههای رسیدن به او نمی‌دیدند و چندان هم به دنبال تحقیق و قدم برداشتن در این زمینه نبودند. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۷) می‌گفت: «من به شخصه خودم نرفتم دنبال خدا، از همون بچگی بهمون گفتن خدا بزرگه، گناه کنی میری تو جهنم، خدا بخشنده است... راه شناخت خدا رو هم واقعاً نمی‌دونم». همچنین این افراد، به خصوص هنگام مشکلات زندگی یا فشارهای روحی، مرگ نزدیکان و نرسیدن به خواسته‌های مطلوب، به قول خودشان با خدا قهر کرده و در ارتباط مطلوب با خدا دچار خدشه می‌شوند. آنها معمولاً طبق تفسیر ذهنی خودشان به ارزیابی در باب خدا و عمل خدا در رابطه با خود می‌پردازند؛ چنانکه یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۲) می‌گفت: «من دقیقاً به خاطر مشکلات روحی نسبت به خدا سرد شدم، عزیزی رو از دست دادم و همین باعث شد که کلاً دیگه پایبند عقاید دینی‌ام نباشم، خب می‌گن خدا هر کار بخواد می‌تونه انجام بده، اما خدا کاری انجام نمی‌ده». این عوامل منجر به سست شدن عقیده و پایبندی آنان به اصول و معارف دینی می‌شود: «من وقتی یکی رو از دست دادم همه دین و ایمانم رو از دست دادم، الان یه مدته نسبت به خدا و یک سری عقاید سست شدم» (کد ۷). از طرف دیگر، یکی دیگر از عواملی که سبب می‌شود ذهنیت آنها نسبت به خدا و شناخت او تغییر کند، دیدن وقایع تلخ جهان هستی است. آنان انتظار دارند خدا این وقایع را پدید نیآورد یا برطرفشان کند: «خدا را با عدالت برای ما ترسیم کرده‌اند. اما باز هم من در این جهان هستی عدالتی نمی‌بینم. وقتی انسانی بی‌گناه کشته می‌شود یا کودکی بیمار به دنیا می‌آید، پس خدا کجای این قضایا قرار دارد...» (کد ۹)

در سوی دیگر، دانشجویانی قرار دارند که به درک و معرفت خوبی از خدا رسیده بودند. در نظام معرفتی آنان، راههای شناخت و رسیدن به خدا مطابق با رهیافتهای آموزه‌های دینی از جمله قرآن کریم و سخن انبیا و اولیای الهی بود. آنان عمده‌ترین راههای شناخت خدا را از طریق خودشناسی، قرآن، پیامبران و تفکر می‌دانستند. کد ۶ می‌گوید: «راههای شناخت خدا زیاد هستند. با نماز خونندن، قرآن خونندن، از راه عقلی و قلبی مثل تفکر کردن، کتابهای مختلف، تحقیق و پرسیدن». «از طریق تفکر در تمام اجزای عالم و درون خود و جهان خارج، مشاهده دقیق همه چیز، خواندن سخنان بزرگان و خواندن قرآن با ترجمه و تفسیر و تفکر» (کد ۱). ضمن اینکه آنان دارای روحیه تحقیق‌پذیری در باب شناخت خدا و چگونه رسیدن به او نیز بودند. این طیف از دانشجویان نیز با مشکلات و فشارهایی روبه‌رو می‌شدند و برخی از آنان نیز اذعان می‌داشتند با این فشارها، رابطه ما با خدا تغییر می‌کند و شاید مدتی دچار نوعی دل‌سردی و ناامیدی بشویم، اما وقتی به این فکر می‌کنیم که شاید خیر و صلاح ما در اینکار باشد، به حالت اولیه خود بازمی‌گردیم: «زمانی هم که مشکل حادثی برام پیش میاد، شاید اول کمی ناراحت بشم و بگم چرا من! اما بعدش می‌گم حتما آزمایش الهی بوده» (کد ۱۲). برخی هم اذعان داشتند مشکلات و فشارهای روحی، تغییری در رابطه آنان با خدا ایجاد نمی‌کند: «وقتی به مشکل شدیدی برمی‌خورم، خیلی در من تغییری ایجاد نمی‌کنه. اگر کسی باور داشته باشه خداوند مهربان در کنار اوست و او را راهنمایی می‌کند، به جای هراس و خودباختگی، در جهت حل مشکل برمی‌آید و از تمام ظرفیت فکری خود بهترین استفاده را می‌کند. تازه باید در این مشکلات به خدا نزدیک‌تر هم شد». (کد ۱۳)

مضمون سوم: بعد ارتباطی

چنانکه در جدول ۲ دیده می‌شود، دانشجویان بر اساس شناخت و معرفتی که نسبت به خدا داشتند، نوع ارتباطشان با خدا هم فرق می‌کرد؛ لذا دو زیرمضمون به دست آمد: ارتباط معنوی و ارتباط عاطفی. در زیرمضمون ارتباط معنوی با خدا، دو کد اصلی به دست آمد: ارتباط با خدا بدون انجام واجبات و فرایض و دستورات الهی و ارتباط با خدا همراه با انجام واجبات و فرایض و دستورات الهی، با تحلیل یافته‌های پژوهش، محرز شد ارتباط با خدا بدون انجام واجبات و فرایض و دستورات الهی، هم شامل گروه اول؛ یعنی کسانی که شناخت کمی از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان دارند می‌شود و هم حداقلی از گروه دوم؛ یعنی کسانی که به شناخت کافی در باب خدا و عمل خدا در رابطه با انسان رسیده‌اند. کد حاصل از زیرمضمون اول، شامل ارتباط با خدا بدون انجام واجبات و فرایض دینی می‌شود.

در این باب، کد ۲ می‌گوید: «من از طریق حرف زدن، درد دل کردن، گریه کردن، گلایه کردن بیشتر با خدا رابطه برقرار می‌کنم. از نظر من، ارتباط برقرار کردن با خدا فقط نماز و قرآن نیست». از نظر آنان نماز خواندن و قرآن خواندن تنها صورت و ظاهر عمل‌اند که انسانها برای دیندار بودن خود آنها را برمی‌گزینند؛ در حالی که داشتن فضایل اخلاقی ضروری‌تر از هر چیزی است. «ظاهراً راه ارتباط با خدا نماز خواندن، قرآن و ... هست، ولی از نظر من اصلاً اینطوری نیست. خدا توی قلب و دل آدمه. به جای نماز خواندن به نظرم کاش بشه تهمت نزنیم، دروغ نگییم، قضاوت نکنیم. انسان باشیم. باور کن با نماز خواندن چیزی به خدا نمی‌رسه...» (کد ۷). کد ۱۰ می‌گفت: «من به آن نماز خواندن مرسوم چندان اعتقادی ندارم. به نظر من نماز خواندن یعنی نگرستن به طبیعت، شعر خواندن و کلاً درد دل کردن با خدا نماز خواندن است. خدا هم همیشه گوش می‌ده و پاسخ می‌ده». برخی از دانشجویان نیز به روشهای معنوی جدید بیشتر گرایش داشتند و راه ارتباط با خدا را از آن طرق، مؤثرتر می‌دانستند: «من این روزها در این جامعه صنعتی و ماشینی که انسانها را به انزوا کشیده است و من هم از این قاعده مستثنا نیستم، کمی از ارتباط با خدا فاصله گرفته‌ام. به نماز اعتقاد دارم؛ چون از لحاظ علمی ثابت شده است، اما یوگا و تای چی بیشتر می‌تونن در این مسیر به انسان کمک کنن» (کد ۹). از سوی دیگر برخی دانشجویان گروه دوم دیدگاه عمیق‌تری در باب ارتباط با خدا داشتند که همراه با انجام فرایض دینی هم بود: «من بیشتر از طریق نماز، نماز شب، قرآن کریم، دعا و ذکر خدا را عبادت می‌کنم. به نظر من ارتباط قلبی یکی از بهترین راههای ارتباطی با خداست. من با خواندن قرآن خیلی آرامش می‌گیرم و آثار آن را هم در زندگی خودم می‌بینم» (کد ۳). به خصوص تمامی آنها در دو جنبه نماز خواندن و قرآن خواندن پافشاری زیادی داشتند.

در زیرمضمون ارتباط عاطفی دانشجویان با خدا، تمامی دانشجویان دارای الگوی تعاملی دوستانه با خدا بودند. حتی دانشجویان گروه اول که از سرد شدن رابطه معنوی خود با خدا سخن می‌گفتند، وجود خدا را برای زندگی خود لازم و ضروری می‌دانستند. در نظر آنان، خدا صدای آنها را می‌شنود و آنها را می‌بیند و خیلی هم دوستشان دارد. در واقع؛ آنها دچار بی‌ثباتی در ارتباط معنوی با خدا شده بودند، اما این تغییری در ارتباط عاطفی آنها ایجاد نمی‌کرد و خدا باز هم آنها را دوست می‌داشت و آنها را می‌پذیرفت. لذا حضور خدا به آنها آرامش و احساس قدرت و دوست داشته شدن می‌داد. آنها هنگام شب به خدا شب بخیر می‌گفتند: «من حس می‌کنم خدا دوستم داره که به حرفام گوش می‌ده و این حسی است که

واقعا من رو آروم می کنه. حداقل واسه من که هر شب به خدا شب بخیر می گم، خیلی خوبه که بدونم اون هم به حرفام گوش میده و شاید جوابم هم میده...» (کد ۷). کد ۲ می گوید: «من اون موقع ها نماز می خوندم، قرآن می خوندم، اما خوب الان شبها که می خوابم به خدا شب بخیر می گم؛ باهاش حرف می زنم. وقتی باهاش حرف می زنم، آرامش عجیبی می گیرم.»

مضمون چهارم: معنابخشی

مطابق با جدول ۲، در تحلیل بیانات دانشجویان می توان استنباط کرد که هر دو طیف، زندگی را تنها در پرتو وجود خدا معنادار می دانند. «اگر خدا نبود، انسان معنایی نداشت. فقط در ظل توجهات خداست که انسان رشد می کند و توانایی به دست می آورد. خدا در لحظه لحظه زندگی انسان است و آثار وجودی اش را حس می کنیم. خدا به زندگی من رنگ و بوی خاصی می دهد و ناظر بر رفتار ماست» (کد ۳). «اگر خدایی نباشه، همه چیز گنگ و مبهمه. همه چی برام نامعلومه، حس خوبی ندارم، حتی الان که یه مدته نسبت به خدا و یک سری از عقاید سست شدم، خیلی احساس پوچی می کنم. انگار کسی نگام نمی کنه، کسی دوستم نداره، اما زندگی با وجود خداست که ارزش داره.» (کد ۲)

د) بحث و نتیجه گیری

در بیان نتایج پژوهش باید گفت در زیرمضمون اول که بعد اعتقادی دانشجویان به خدا را نشان می دهد، محرز شد آنها اعتقاد راسخی به وجود خدا و خالق و رب جهان بودن او دارند. از نظر آنان، خدا وجود دارد و جهان را اداره می کند و تنها نیروی مؤثر بر هستی است. لذا می توان گفت آنها در بعد مبانی اعتقادی بسیار قوی می باشند. نتیجه تحقیق متولیان و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان داد که بیشترین نمره دینداری دانشجویان به بعد اعتقادی با میانگین ۲۴/۳۷ تعلق گرفته است. پس از آن، ابعاد عاطفی با ۲۲/۳۱ و ابعاد مناسکی با ۱۸/۹۹ در میزانی پایین تر قرار دارند. سراج زاده و رحیمی (۱۳۹۲) و حضرتی صومعه (۱۳۹۵) نیز به همین نتیجه رسیدند.

در مضمون شناختی، دانشجویان را باید به دو گروه تقسیم کرد؛ گروه اول که تعداد آنها کمتر بود، چندان الزامی به شناخت خدا و راههای رسیدن به او نمی دیدند و چندان هم به دنبال تحقیق و قدم برداشتن در این زمینه نبودند. لذا بیشترین مشکل آنان به بعد شناختی و بینش هایشان برمی گردد. در واقع؛ آنان تنها می دانند که خدا هست، اما اینکه خدا کیست و

چگونه و از چه راههایی باید او را شناخت و به او نزدیک شد را نمی‌دانند. این دسته از دانشجویان معمولاً بر اساس ذهنیت خود یا حرفهای دیگران در باب خدا قضاوت می‌کنند و در این راه دچار تردید می‌شوند. آگاهی و شناخت اندک این دسته از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان سبب می‌شد که انتظارات غیر واقع‌بینانه‌ای هم از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان داشته باشند. این گروه معمولاً ذهن خود را درگیر چراهایی می‌کنند که هیچ پاسخی هم برایشان نداشتند و چون پاسخ قانع‌کننده‌ای برای سؤال خود نمی‌یافتند، در رابطه معنوی خود با خدا دچار تزلزل می‌شدند. مشکل دیگر این دسته از جوانان این است که ذهن آنان پر از چراها و آماهاست. آنان به واقعیتهای تلخ موجود در جهان نگاه می‌کنند و سپس با دیدن بلاها، سختی‌ها و رنجهایی که خاص زندگی دنیوی است و به خصوص بی‌عدالتی‌هایی که در جهان وجود دارد، اشاره کرده و این سؤال را از خود می‌پرسند که چرا اینگونه است؟ سپس میان این وقایع و صفات خداوند رابطه برقرار کرده، از خود می‌پرسند پس چرا خدا که عادل است یا می‌بیند، کاری نمی‌کند؟ در واقع؛ آنان از عوامل اصلی پدیدآورنده این مشکلات، از جمله: انسانها، شرایط، جوامع سلطه‌گر، حکمت‌های الهی و ... ناآگاه‌اند و متأسفانه این موارد در ذهن آنان به عنوان شبهات باقی می‌ماند و نه تنها زندگی، بلکه رابطه‌شان با خدا و انجام وظایف و واجبات دینی را تحت تأثیر قرار داده و سبب کم‌رنگ‌تر شدن این موارد در ذهن دانشجویان و ارزیابی منفی آنان از خدا می‌شود. در همین باب، ابویی مهریزی و افشانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود اثبات کردند میزان رواج شبهات دینی جوانان درباره صفات خدا فراتر از حد متوسط است. در واقع؛ در سالهای اخیر شواهد معناداری از رواج شبهه در عقاید دینی و مذهبی مردم جامعه ایران در زمینه‌های مختلفی از جمله: شبهه در وجود خدا و عدالت او، شبهه در کتاب آسمانی، آموزه‌های پیامبران و ... مشاهده شده است. حسین‌زاده و مشرفی (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود اولین عامل از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی دانشجویان را شبهات دینی دانستند. اما از آن تلخ‌تر این است که اکثر این دسته از دانشجویان به دنبال پاسخ منطقی برای سؤالات و شبهات خود نمی‌روند. مصباح یزدی می‌گوید: «بسیاری از جوانان نمی‌توانند به این شبهات پاسخ دهند؛ پس شبهه در ذهن آنها تثبیت می‌شود. در اینجا ارائه صحیح راه مهم است، نه اینکه آنها را به حال خود رها کرد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۶۴). لذا اگر جوان شبهه‌ها را حل نکند یا دیگران آنها را برای او حل نکنند، سالها و بلکه تا پایان عمرش بر اساس یک فکر خطا زندگی می‌کند و حتی جهت زندگی‌اش را هم بر همان مبنا تعیین می‌کند.

از طرف دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهد برخی دانشجویان از کودکی به انجام دستورات الهی می‌پرداختند؛ اما به دلایل متعددی از جمله: فشارهای روحی و مشکلات زندگی، مرگ نزدیکان و نرسیدن به خواسته‌های مطلوب خود، آن اعمال را کنار گذاشته و به قول خودشان، با خدا قهر کرده‌اند. هر چند این قهر کردن منجر به از دست دادن ارتباط کامل آنها با خدا نشده و همچنان زندگی را بدون او بی‌معنا می‌دانند؛ اما به گفته خودشان، دیگر آن ارتباط قبلی را با خدا ندارند. آنها معمولاً به پیشداوری‌ها و ارزیابی‌های منفی از خدا می‌پردازند و بر اساس ذهنیت خود درباره خدا قضاوت می‌کنند و در نهایت اعمال دینی‌شان را کنار می‌گذارند. این نتیجه نیز همسو با نتیجه حسین ثابت و رادی (۱۳۹۴)، حدادی کوهسار و غباری بناب (۱۳۹۰)، برام و همکاران (۲۰۰۸)، اکسلاین، یالی و لوبل (۱۹۹۹) و بونته کوئه و همکاران (۲۰۰۵) است. فشار حاصله سبب می‌شود دانشجویان به جای تحلیل این مسائل و نقش این پیشامدها در زندگی هر کس و نحوه برخورد و کنار آمدن با آن و در نهایت حل کردن مسئله، یکسره خود را از ایمان و پابندی به متعلقات آن رها سازند. البته برخی از این دسته از دانشجویان معمولاً احساس نارضایتی از دور ماندن از خدا هم داشتند و اظهار می‌داشتند از وقتی در انجام اعمال دینی خود با مشکل مواجه شده‌اند، زندگی چندان برای آنها رضایت‌بخش نیست و میزان مشکلاتشان بیشتر هم شده است. در طیف دیگر، دانشجویانی قرار داشتند که معمولاً به شناخت کافی نسبت به خدا و عمل خدا در رابطه با انسان رسیده بودند. این طیف از دانشجویان نیز وقتی با مشکلات و فشارهایی روبه‌رو می‌شدند، برخی از آنها از همان ابتدا این مسائل را حکمت و آزمون الهی تلقی می‌کردند و برخی نیز اذعان می‌داشتند با این فشارها، رابطه آنان با خدا تغییر می‌کند و شاید مدتی دچار نوعی دلسردی و ناامیدی بشوند؛ اما وقتی به این فکر می‌کنند که شاید خیر و صلاح خداوند در اینکار باشد، به حالت اولیه خود بازمی‌گردند. این نتیجه نیز با نتیجه گیری میکائیلی و پرزور (۱۳۹۸)، قاسمی نواب و سهرابی (۱۳۹۴) و برام و همکاران (۲۰۰۸) همسو است.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد دانشجویانی که آگاهی و شناخت اندکی از خدا و عمل خدا در رابطه با انسان داشتند، در ارتباط معنوی خود با خدا نیز دچار مشکل شده بودند و لذا نسبت به انجام واجبات و دستورات دینی، به خصوص نماز خواندن، دچار تردید شده یا به کلی آن را کنار گذاشته بودند. از نظر آنان راههای ارتباطی با خدا تنها نماز و قرآن خواندن نیست، بلکه معمولاً حرف زدن، درد و دل کردن یا خدا را دوست داشتن است. اما با تحلیل بیانات دانشجویان محرز شد حداقلی از دانشجویانی هم که به شناخت کافی در باب خدا

۶۶۴ ♦ تأملی در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا...

رسیده‌اند، در انجام واجبات و فرایض دینی خود مشکل دارند. به عبارت دیگر؛ آنها مبانی اعتقادی و بینشی خوبی نسبت به خدا داشتند، اما در بعد عمل کردن به دستورات خدا با مشکل مواجه بودند. این نتیجه نیز با نتایج متولیان و همکاران (۱۳۹۸)، سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲) و حضرتی صومعه (۱۳۹۵) همسو است.

در همین باب، نذیرهاشمی (۱۳۸۲) نتیجه گرفت شرکت ضعیف دانشجویان در فعالیتهای مذهبی و انجام فرایض دینی سبب بروز افسردگی در آنان شده است. این مهم نشان می‌دهد اگر جوانان ترغیب به انجام فرایض دینی خود نشوند، در آینده، کشور ایران با نسلی بیش از پیش مضطرب و افسرده روبه‌رو خواهد بود. اوگرادی و ریچاردز برای دور ماندن از این بحران می‌گویند: درمانگران باید به بیماران کمک کنند. آنها باید افراد را تشویق به انجام اعمال معنوی همچون: نماز خواندن، مراقبه، مطالعه کتاب مقدس و تفکر معنوی کنند تا رابطه اصیل‌تری با خدا برقرار کنند و تصویری سالم از خدا را ارتقا بخشند. از سوی دیگر، دانشجویانی هم بودند که ارتباط با خدا را همراه با انجام فرایض دینی مؤثر می‌دانستند و به آن کاملاً مقید بودند و عمل می‌کردند.

در بعد ارتباط عاطفی دانشجویان با خدا، با توجه به یافته‌های تحقیق به جرأت می‌توان گفت که هم دست، اول و هم دسته دوم دارای ارتباط عاطفی قوی با خدا بودند. حتی دسته اول که در ارتباط معنوی خود با خدا دچار مشکل شده بودند و دست از ایمان و نماز خود کشیده بودند، حضور خدا را برای معنابخشی به زندگی خود بسیار مؤثر می‌دانستند. این نتیجه‌گیری نیز با نتایج پژوهشهای سراج‌زاده و رحیمی (۱۳۹۲)، متولیان و همکاران (۱۳۹۸) و حضرتی صومعه (۱۳۹۵) مطابقت دارد. در نظر آنان، خدا صدای آنها را می‌شنود و آنها را می‌بیند و خیلی هم دوستشان دارد. در واقع؛ آنها دچار بی‌ثباتی ارتباط معنوی با خدا شده بودند، اما این تغییری در ارتباط عاطفی آنها ایجاد نمی‌کرد و خدا باز هم آنها را می‌پذیرفت. حضور خدا به آنان احساس آرامش، قدرت و دوست داشته شدن می‌داد. همچنین تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش، بودن خدا را سبب معنابخشی به زندگی خود می‌دانستند. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران و محققان، برجسته‌ترین عملکرد روان‌شناختی مذهب، اراده حس معنا و هدف در زندگی است. استروپ، دراپر و وایتهد (۲۰۱۳) رابطه تصاویر دوست‌داشتنی از خدا و احساس معنا و هدف در زندگی را هم‌معنا و پایدار یافتند. در تحقیقی که اخیراً در دانمارک توسط پدرسن و همکاران (۲۰۱۸) انجام شده، نتیجه گرفتند بیشترین

ارتباط معنادار از میان متغیرهای مختلف، بین دینداری، معنویت و ارتباط با خدا با معناداری در زندگی است.

در نتیجه‌گیری نهایی باید گفت: در نظام معرفت‌شناسی دانشجویان در باب خدا، چهار مضمون اصلی بعد اعتقادی، بعد شناختی، بعد ارتباطی و بعد معنابخشی با هشت زیرمضمون و ۱۶۱ کد حاصل شد. با توجه به نتایج تحلیل بیانات دانشجویان در ابعاد ذکر شده، می‌توان دانشجویان را در دو محور قرار داد. در مضمون اعتقادی، هر دو گروه از مبانی اعتقادی قوی برخوردار بودند و به خداوند و هستی او معتقد بودند. در مضمون شناختی و ارتباطی، دانشجویان به دو طیف تقسیم شدند؛ گروه اول دارای مبانی بینشی و شناختی ضعیف‌تری نسبت به خدا بودند، انتظارات غیر واقع‌بینانه‌ای از خدا داشتند و همواره می‌خواستند همه شرایط مطابق با خواست آنان باشد، که این مسائل قضاوت‌های نادرستی را نسبت به خدا در ذهن آنها ایجاد می‌کرد. لذا شبهات زیادی در ذهن آنها وجود داشت که متأسفانه به دنبال رفع شبهات خود هم نمی‌رفتند و برخی هم چندان رغبتی به گام نهادن در عرصه شناخت خدا و قوی‌تر کردن مبانی بینشی و نگرشی خود نداشتند. لذا متأسفانه در ارتباط معنوی خود با خدا دچار مشکل بودند و به انجام فرائض دینی و واجبات نمی‌پرداختند. گروه دوم دارای شناخت و ارتباط معنوی خوبی با خدا بودند و از راههای متعدد به این نیاز فطری خود پاسخ می‌دادند؛ هر چند حداقلی از این گروه نیز به انجام فریضه واجبی چون نماز اعتقاد کامل نداشتند و جایگزینهای دیگری را برای آن انتخاب کرده بودند. همچنین، هر دو گروه دارای تعامل دوستانه‌ای با خدا بودند و ارتباط عاطفی بسیار قوی با خدا داشتند و زندگی را در پرتو وجود خدا معنادار می‌دیدند. لذا باید گفت گروه اول در مرحله‌ای قرار دارند که اگر با همین رویه پیش روند، به طور حتم دچار آثار سوء دنیوی و اخروی خواهند شد و از این نظر نیاز به توجه ویژه و یاری بیشتری از سوی جامعه، جامعه دانشگاهی و به خصوص اساتید فهیم و دلسوز، خانواده‌ها، سیاستمداران و برنامه‌ریزان اجتماعی دارند. همچنین باید توجه داشت اکثر دانشجویانی که در پژوهش حاضر در امر دین با مشکلاتی مواجه بودند، تمایل زیادی به صحبت کردن با افراد برجسته و وارسته در دین را داشتند؛ اما متأسفانه چنین افرادی را نمی‌شناختند یا به آنان دسترسی نداشتند.

پیشنهاد‌های کاربردی

پیشنهاد می‌شود جامعه و نهادهای دینی و فرهنگی و دانشگاهها فرصت صحبت کردن و حل مشکلات و شبهات دانشجویان با عالمان وارسته دینی و بزرگان دینی را فراهم کنند. در واقع؛

دانشگاهها باید به منزله پلی باشند میان دانشجویان و علمای دینی. به طور حتم با این کار، بخش زیادی از مشکلات دینی دانشجویان حل می‌شود. لذا در مرتبه اول، راه‌اندازی مراکز متعدد در کشور با هدف جذب جوانان به دین و همچنین رفع شبهات دینی جوانان ضروری است. در این مراکز، مطلوب‌تر است از عالمان وارسته دینی که از نظر گفتار و اخلاق و معلومات هم نمونه می‌باشند، برای مشاوره استفاده شود. سپس شماره و نشانی این مراکز به دانشگاهها داده شود و آنها نیز به اطلاع دانشجویان برسانند.

دانشگاهها خود نیز در این زمینه می‌توانند نقش فعال داشته باشند؛ به گونه‌ای که هر یک از دانشگاهها به تأسیس مراکزی در خود دانشگاه با همان هدفی که پیش‌تر ذکر شد، بپردازند و با این کار برای مشاوره‌دهی به دانشجویان اقدام کنند و دانشجویان را به پرسیدن سؤالاها و شبهات دینی خود ترغیب کنند. دانشگاهها می‌توانند با عالمان وارسته دینی، مراجع شیعه و اساتید فاضل، چه در دانشگاه و چه خارج از دانشگاه - افرادی که می‌توانند مشاوره‌های مفیدی به دانشجویان ارائه دهند - برای مشورت هماهنگی کرده، سپس شماره تلفن یا ایمیل آنان را در اختیار دانشجویان خود قرار دهند تا دانشجویان برای رفع مشکلات خود با آنان صحبت کنند یا به صورت حضوری از وجود این افراد استفاده کنند و حداقل بخشی از شبهات‌شان رفع شود یا تغییر نگرش در آنان پدید آید.

دانشگاهها نیاز است حتماً اطلاع‌رسانی‌های قوی‌تری چه در جهت اقدامات مذکور و چه در باب اطلاع‌رسانی در هر زمینه دینی به دانشجویان داشته باشند. برای مثال، پیام دادن به تلفن همراه دانشجویان بسیار مؤثرتر از روشهایی همچون زدن بنر یا اطلاعیه‌های کاغذی است؛ لذا پیشنهاد می‌شود اطلاع‌رسانی به دانشجویان، به خصوص در باب اقدامات پیش‌گفته حتماً از طریق پیام متنی صورت گیرد.

دانشجویان معمولاً کمتر به صورت حضوری در جلسات سخنرانی‌های مذهبی یا رفع شبهات دینی که در دانشگاهها برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند و همچنین امروز نقش فضای مجازی بسیار پررنگ‌تر شده است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود بخشی از برنامه‌ها یا سخنرانی‌ها یا پاسخ‌دهی به شبهات دانشجویان از طریق برگزاری جلسات متعدد و مکرر در فضای مجازی صورت بگیرد که نیاز است حتماً از حضور افراد وارسته و برجسته دینی که بیان شیرین و گیرایی دارند استفاده شود. این جلسات می‌توانند به صورت پرسش و پاسخ یا سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ باشند. لینک شرکت در این جلسات باید از طریق پیام به

تلفن همراه دانشجو ارسال شود تا به راحتی از طریق ضربه زدن به لینک وارد جلسات شود. این گونه هم مشارکت آنها بیشتر می شود و هم جواب سؤالات و شبهات خود را درمی یابند. دانشگاهها می توانند از طریق ایجاد کانالهای مجازی و عضو کردن تمامی دانشجویان در آن، به بیان مباحث دینی با هدف جذب جوانان به دین و رفع شبهات آنها نیز پردازند. پیشنهاد می شود در باب شناخت بیشتر خدا و رفع شبهات ذهنی دانشجویان، درس یا دروسی در سرفصلهای رشته های مختلف از سوی وزارت علوم منظور شود و کتب درسی با بازدهی بالا در این زمینه تألیف شود.

در نهایت، تأثیر گذاری اساتید بر دانشجویان و الگوپذیری دانشجویان از آنان، امری غیر قابل انکار است؛ لذا دانشگاهها از اساتیدی استفاده کنند که خود نمونه یک انسان با ایمان و باتقوا و در اخلاق نیز نمونه باشند تا این استاد با حضور خود در کلاس، درس دینداری و خداشناسی را به دانشجویان بدهد.



منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۹۱). قم: بکا.
- ابویی مهریزی، محمدرضا و علیرضا افشانی (۱۳۹۴). «مطالعه نگرش دانشجویان در مورد میزان رواج شبهات دینی در بین جوانان». *مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، ش ۱۹ (۸): ۹۰-۱۰۸.
- اکبری، بهمن (۱۳۸۹). «بحران هویت و هویت دینی». *بیک نور*، ش ۱۳.
- برابادی، حسین‌احمد (۱۳۹۴). «مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران افسرده و افراد سالم». *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش ۶ (۲۳): ۷۱-۹۰.
- جعفری، یعقوب (۱۳۸۶). *تفسیر کوثر*. قم: هجرت.
- حدادی کوهسار، علی‌اکبر و باقر غباری‌بناب (۱۳۸۹). «رابطه انکار ذهنی از خدا با روان‌پریشی و جسمی‌سازی در دانشجویان». *دستاوردهای روان‌شناختی*، ش ۷ (۲): ۱۹-۳۴.
- حدادی کوهسار، علی‌اکبر و باقر غباری‌بناب (۱۳۹۰). «رابطه انکار ذهنی از خدا و دل‌بستگی با افکار پارانوئیدی در دانشجویان». *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ش ۲۴: ۵۸-۳۹.
- حسین‌ثابت، فریده و مریم رادی (۱۳۹۴). «بررسی درک از خدا و رضایت زندگی دانشجویان دانشگاه شیراز». *پژوهش در دین و سلامت*، ش ۱ (۲): ۱۹-۲۷.
- حسین‌زاده، امیرعلی و هاشم مشرفی (۱۳۸۹). «تحلیل عاملی عوامل آسیب‌زای تربیت دینی در دانشجویان». *زن و مطالعات خانواده*، ش ۷: ۶۰-۴۱.
- حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۹۵). «میزان دینداری در بعد اعتقادی در زنان دانشجویان». *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۹ (۷۳): ۱۲۶-۱۴۷.
- خاکساری، زهرا و زهره خسروی (۱۳۹۱). «خدا و تصور مثبت و منفی از او». *روان‌شناسی و دین*، ش ۲ (۵): ۸۳-۹۸.
- سراج‌زاده، سید حسین و فرشید رحیمی (۱۳۹۲). «رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی». *راهبرد فرهنگ*، ش ۲۴: ۲۶-۸.
- صادقی، منصوره‌السادات؛ مریم عصار، فایزه پاک و سید محسن ابراهیمی (۱۳۹۳). «نقش ابعاد اصلی شخصیت در نوع ارتباط با خدا». *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۸ (۱۲۶): ۱۰۳-۱۲۶.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. تهران: جامعه مدرسین قم.
- عبدالکریمی، بیژن (۱۳۸۹). «خدا در اندیشه غرب». *بازتاب اندیشه*، ش ۳۲.
- قاسمی‌نواب، امیر و فرامرز سهرابی (۱۳۹۴). «پیش‌بینی ارتباط با خدا بر اساس رویدادهای زندگی، هوش معنوی و ترسیم روند زندگی در سالمندان». *سلامت و مراقبت*، ش ۱۷ (۱): ۶۹-۵۷.
- متولیان، سید مهدی؛ سید مهدی حسینی شیروانی و زهرا نوری (۱۳۹۸). «بررسی رابطه پنج بعد شخصیتی با میزان دینداری در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران». *اسلام و سلامت*، ش ۴ (۱): ۶۱-۷۰.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). **تهاجم فرهنگی**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مظاهری، محمدعلی؛ منصوره‌السادت صادقی و عباس پسندیده (۱۳۹۰). **مثلث ایمان**. تهران: دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. قم: دارالکتب اسلامی.
- مغینه، محمدجواد و موسی دانش (۱۳۸۶). **ترجمه تفسیر کاشف**. قم: بوستان کتاب.
- میکائیلی، اشرف و پرویز پرزور (۱۳۹۸). «**الگوسازی معادلات ساختاری ارتباط بین تصور مثبت و منفی از خدا با مؤلفه‌های سلامت روان**». *پژوهشهای مشاوره*، ش ۶۹: ۱۸۵-۱۶۴.
- نصیرزاده، راضیه و کاظم رسولزاده طباطبایی (۱۳۸۸). «**بررسی رابطه باورهای مذهبی با راهبردهای مقابله با تنیدگی در دانشجویان**». *افتخ دانش*، ش (۲): ۳۶-۴۵.
- Argyle, M (2000). **Psychology and Religion: An introduction**. New York: Oxford Brooks University.
- Bontekoe, E.; V. Janneke Hekman & J. Margot (2005). “**The association between personality, attachment and the God concept among a non-clinical sample**”. *Mental Health Religion & culture*, 8(2): 141-154.
- Braam, A.W.; B. Mooi, J. Schaap Jonker, W. Tilburg & D. Deeg (2008). “**Mental Health, Religio God image and Five _Factor Model personality characteristics in later life**”. *Religion and Culture*, 11(6): 547-559.
- Christopher, G. & Marcum J. Ellison (2010). “**Attachment to God, images of God, Matt Bradshaw**”. *The International journal for psychology of Religion*, 20(2): 130-147.
- Exline, J.J.; A.M. Yali & M. Lobel (1999). “**When God disappoints**”. *Journal of health psychology*.
- Hoffman, M.L. (2005). “**A developmental perspective on the God Image**”. *Spirituality and psychology health*, No. 129.
- Kim, S. (2017). **The effect of a bible based manualized protocol targeting attachment to God in anxiety and stress**. Liberty University. ProQuest Dissertations Publishing.
- Pedersen, H.; M. Birkeland, J. Jensen & T. Schnell (2018). “**What brings meaning to life in a highly secular society? Niels Scandinavian**”. *Journal of Psychology*, 59(6): 678-690.
- Stroepe, S.; S. Draper & A. Whitehead (2013). “**Images of a loving God and sense of meaning in life**”. *Social Indicators Research*, 111(1): 25-44.
- Smith, D.W (2006). **Phenomenology**. Encyclopedia of Cognitive Science.
- **Holy Quran**. Translated by Nasser Makarem Shirazi (1995). Tehran: Islamic Library.
- **Nahj Albalagheh**. Translated by Mohammad Dashti (2012). Qom: Beka.
- Abuei Mahrizi, Mohammad Reza & Alireza Afshani (2015). “**Study of students' attitudes about the prevalence of religious doubts among young people**”. *Sociological Studies of Youth*, 19(8): 90-108.
- Abdul Karimi, Bijan (2010). “**God in Western Thought**”. *Reflection of Thought Monthly*, 32.
- Akbari, Bahmani (2010). “**The Crisis of Identity and Religious Identity**”. *Peyk Noor*, 13.
- Barabadi, Hossein Ahmad (2015). “**Comparison of the quality of perception of God in depressed patients and healthy individuals**”. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture*, 6(23): 71-90.
- Ghasemi Nawab, Amir & Faramarz Sohrabi (2015). “**Predicting Communication with God Based on Life Events, Spiritual Intelligence, and**

- Life Process Mapping in the Elderly**". *Health and Care Quarterly*, 7(1): 57-69.
- Haddad Kuhsar, Ali Akbar & Baqer Ghobari Bonab (2010). **"The Relationship between Mental Idea of God and Psychosis and Physicalization in Students"**. *Bi-Quarterly Journal of Psychological Achievements*, 7(2): 19-34.
 - Haddad Kuhsar, Ali Akbar & Baqer Ghobari Bonab (2011). **"The Relationship between Mental Imagery of God and attachment to paranoid thoughts in students"**. *New Psychological Research*, 24: 39-58.
 - Hazrati Soomeh, Zahra (2016). **"The degree of religiosity in the doctrinal dimension in female students"**. *Journal of Women's Strategic Studies*, 19(73):126-147.
 - Hosseinzadeh, Amir Ali & Hashem Moshrafi (2010). **"Factor analysis of harmful factors in religious education in students"**. *Women and Household Studies*, 7: 41-60.
 - Hossein Sabet, Farideh & Maryam Radi (2015). **"In examining the understanding of God and the life satisfaction of Shiraz University students"**. *Journal of Research in Religion and Health*, 1(2): 19-27.
 - Jafari, Yaqub (2007). **Tafsir Kawthar**. Qom: Hejrat.
 - Khaksari, Zahra & Zohreh Khosravi (2012). **"God and the positive and negative image of him"**. *Psychology and Religion*, 2(5): 83-98.
 - Mazaheri, Mohammad Ali; Mansoure Al-Sadat Sadeghi & Abbas Pasandideh (2011). **Triangle of faith**. Tehran: Dar al-Hadith.
 - Makarem Shirazi, Nasser (1995). **Sample Interpretation**. Qom: Islamic Library.
 - Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2002). **Cultural Invasion**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
 - Mikaeeli, Ashraf & Parviz Parzour (2019). **"Modeling Structural Eduations the Relationship between Positive and Negative Perceptions of God and Mental Health Components"**. *Counseling Research Quarterly*, 69: 164-185.
 - Motevalian, Seyed Mehdi; Seyed Mehdi Hosseini Shirvani & Zahra Nouri (2019). **"Investigating the relationship between five personality dimensions and the level of religiosity among male and female students of Mazandaran University"**. *Quarterly Journal of Islam and Health*, 4(1): 61-70.
 - Mughineh, Mohammad Javad & Musa Danesh (2007). **Translation of Kashef Interpretation**. Qom: Book Boostan.
 - Nasirzadeh, Razieh & Kazem Rasoolzadeh Tabatabai, (2009). **"Investigating the relationship between religious beliefs and coping strategies in students"**. *Knowledge Ofogh*, 15(2): 35-46.
 - Noori, Ali & Mahmood Mehr Mohammadi (2011). **"A model for using the theory method derived from educational data and research"**. *Curriculum Studies*, 6: 8-35.
 - Sadeghi, Mansoura Sadat; Maryam Assar, Faezeh Pak & Seyed Mohsen Ebrahimi (2014). **"The role of the main dimensions of personality in the type of relationship with God"**. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Studies and Psychology*, 8(16): 103-126.
 - Serajzadeh, Seyed Hossein & Farshid Rahimi (2013). **"The relationship between religiosity and the meaning of life in a student population"**. *Culture Strategy Quarterly*, 24: 8-26.
 - Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein (1995). **Tafsir Almizan**. Translated by Seyyed Mohammad Baqer Moosavi Hamedani. Tehran: Qom Teachers Association Publications.